

## تفسیر ده دقیقه‌ای قرآن کریم؛ بر ساحل نور

استاد سید جواد بهشتی

موضوع: سرگذشت بنی اسرائیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به مهمانی قرآن کریم می‌رویم:

سوره بقره طولانی‌ترین سوره قرآن و اولین سوره نازل شده در مدینه است.

سرگذشت آدم و حوا و فرشتگان و ابلیس را خواندیم.

صفحه ۷

سوره مبارکه بقره

آیات ۳۸-۴۸

آیه ۳۸: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَاِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

يَحْزَنُونَ»

«قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا» آدم و حوا در یک باغی در مقام والایی جای گرفتند، خداوند به آن‌ها فرمود:

هر چه می‌خواهید از این باغ استفاده کنید، ولی به این درخت نزدیک نشوید! اما ابلیس آن‌ها را لغزاند و

فریب داد، خیلی زود فهمیدند، توبه هم کردند، توبه آن‌ها هم قبول شد، اما باز گناه اثر وضعی هم دارد و

توبه آن‌ها باعث نشد به آن باغ برگردند. ما گفتیم که «اهْبِطُوا مِنْهَا» از آن جایگاه، از آن مقام والا پایین

بیایید «جَمِيعًا» همه شما؛ «فَاِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى» اگر هدایتی از جانب من به شما رسید، «فَمَنْ تَبِعَ

هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» هر کسی از هدایت من پیروی کند آرام خواهد بود، نه ترسی به

آن‌ها می‌رسد و نه غصه خواهند خورد. خداوند فرمود: به این درخت نزدیک نشوید، این هدایت خداوند

بود، اما آدم و حوا این رهنمود خداوند را فراموش کردند.

از این به بعد هم تکرار خواهد شد، ای آدمیان بیدار باشید!

آیه ۳۹: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا» آنان که کافر شدند و انکار کردند آیات ما را، «أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ

فِيهَا خَالِدُونَ» اینان یاران آتش هستند و برای همیشه در آتش خواهند بود.

از اینجا به بعد سرگذشت بنی اسرائیل شروع می‌شود. بعد از قصه درس آموز آدم و حوا که آن دو مسجود

فرشتگان شدند، خداوند برای آن‌ها کلاس گذاشت، به آن‌ها معارفی را تعلیم داد، اما فراموش کردند و

لغزیدند، پس از آن هم جنگ حق و باطل آغاز شد، رویارویی جبهه حق و جبهه باطل آغاز شد تا به یک

قطعه مهم در تاریخ گذشته رسیدیم و آن قصه بنی اسرائیل است.

همانطور که اشاره شد، اولین سوره‌ای که در مدینه نازل شد سوره مبارکه بقره است. از صد سال قبل یهودیانی از مناطق حاشیه دریای مدیترانه، از خوش آب و هواترین جای کره زمین به عشق دیدن پیامبر خاتم به مدینه آمده بودند، خیلی از آن‌ها هم از دنیا رفتند، نسل‌های بعد از ایشان که به دنیا آمدند، والدین به بچه‌هایشان می‌گفتند: «عزیزم، قسمت ما نشد که پیغمبر خاتم را ببینیم، اگر شما او را زیارت کردید، از او استقبال کنید». این آیه‌ها مربوط به اجداد یهودیان ساکن در مدینه است، اما مخاطب آن‌ها بنی اسرائیل است.

آیه ۴۰: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ»  
 «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ» ای فرزندان اسرائیل؛ اسرائیل کیست؟ یکی از نام‌های حضرت یعقوب است. از دو کلمه ترکیب یافته است: «إسر» به معنای عبد، «ائیل» به معنای خدا، یعنی ترجمه اسرائیل «عبدالله» می‌شود. پس اسرائیل یکی از نام‌های حضرت یعقوب است. ای بنی اسرائیل یاد کنید نعمتی را که به شما دادم؛ «وَأَوْفُوا بِعَهْدِي» به عهد من وفا کنید. زیرا هنگامی که من به شما نعمتی می‌دهم حقی برعهده شما ایجاد می‌شود پس به عهد من وفا کنید؛ «أُوفِ بِعَهْدِكُمْ» من هم به عهدم وفا می‌کنم، اگر می‌خواهید من همچنان نعمت‌هایم را به روی شما سرازیر کنم شما هم باید سپاس‌گوی نعمت‌های من باشید؛ «وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ» از من بترسید، از مخالفت من بترسید.

آیه ۴۱: «وَأْمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰئِكَ الْكٰفِرِ بِهِ ۗ وَلَا تَشْتُرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ»

این آیه معلوم می‌کند که مخاطب این آیات یهودیان زمان پیامبر هستند، «وَأْمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ» و ایمان بیاورید به کتابی که تصدیق کننده کتابی است که نزد شما است؛ نزد یهودیان چه کتابی بود؟ تورات، قرآن، تورات و انجیل را تأیید و تصدیق می‌کند، اساساً پیامبران، پیامبران قبلی را تأیید می‌کردند و پیامبران بعدی را بشارت می‌دادند. کتاب‌های آسمانی هر کدام کامل کننده کتاب‌های قبلی هستند، نه تضعیف کننده و انکار کننده، «مُصَدِّقًا» به کتابی که تصدیق کننده تورات است ایمان بیاورید، توراتی که الان دست شما است.

«وَلَا تَكُونُوا أُولَٰئِكَ الْكٰفِرِ بِهِ» از اولین مخالفان قرآن نباشید؛ از اولین مخالفان پیامبر اسلام نباشید، اگر مشرکان مخالفت می‌کنند نادان و جاهل هستند، شما اهل کتاب هستید، توقع بیشتری از شما می‌رود.  
 «وَلَا تَشْتُرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا» آیه‌های مرا به مبلغ و بهای کمی نفروشید؛ به دلیل خوش گذرانی در دنیا، قدرت طلبی در دنیا، نام و شهرت در دنیا، کتمان نکنید.  
 «وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ» از مخالفت با من و از سر پیچی با رهنمودهای من بپرهیزید.

آیه ۴۲: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

«وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ» حق را باطل نیامیزید، «وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» در حالی که می‌دانید، حق را پنهان نکنید، کتمان نکنید؛ کتمان، گناه بسیار بسیار بزرگی است که کيفرش را خواهیم خواند، شما به خاطر موقعیت خودتان آگاهانه حق را کتمان نکنید.

آیه ۴۳: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ»

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» نماز به پا دارید، نماز از مشترکات ادیان است؛ «وَآتُوا الزَّكَاةَ» زکات به پردازید، زکات هم از مشترکات ادیان است، مخصوص اسلام نیست، مسیحیان و یهودیان هم نماز دارند؛ «وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» و همراه با رکوع کنندگان رکوع کنید، این را هم فرموده‌اند معنایش «نماز جماعت» است، اصل در نماز جماعت است، خداپرستان با هم و در کنار هم پروردگارش را صدا بزنند.

آیه ۴۴: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»

«أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» آیا دیگران را به خوبی فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش کرده‌اید؟! یکی از مقدمات و زمینه‌های تأثیر امر به معروف و نهی از منکر، عمل خود کسی است که امر به معروف می‌کند. وقتی من به کسی می‌گویم بهداشت را رعایت کن ولی خودم رعایت نمی‌کنم یا وقتی به کسی می‌گویم شب‌زنده‌داری کن ولی خودم در دل شب خوابم، یا وقتی یک فرد سیگاری به کسی می‌گوید سیگار نکش، این‌ها تأثیر ندارد. آیا به خوبی دیگران را سفارش می‌کنید و فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش کرده‌اید؟! «وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ» در حالی که شما اهل کتاب هستید، اهل مطالعه هستید، بی‌سواد نیستید. «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» آیا اندیشه نمی‌کنید؟ خداوند به شما عقل داده است، عقل کسی که خودش اهل عمل نباشد و دیگران را فرمان بدهد، نمی‌پسندد.

آیه ۴۵: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» و کمک بگیرید از صبر و نماز؛ دو بار این آیه در سوره بقره آمده است. در بحران‌ها، گرفتاری‌ها و مشکلات از ودیعه‌ای صبر، پایداری، شکیبایی و نماز- که خداوند در نهاد شما قرار داده است کمک بگیرید.

«وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» نماز سخت و سنگین است مگر بر افراد خاشع، متواضع، فروتن و بنده؛ خاشعین چه کسانی هستند؟ چگونه باید خشوع ایجاد می‌شود که نمازهای ما عاشقانه و با حال باشد؟

آیه ۴۶: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنْتُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

«الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» خاشعین کسانی هستند که یقین دارند پروردگارش را دیدار می‌کنند، «وَأَنْتُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و یقین دارند به سوی خدا بر می‌گردند؛ از آن‌جایی که برای همیشه در این دنیا نخواهند بود پس باید توشه‌ای بیاندوزند.

آیه ۴۷ : « يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ »  
 « يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ » یاد کنید نعمت ویژه و با ارزشی را که به شما عنایت کردم؛ آن نعمت چه بود؟ « وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ » من شما را بر جهانیان برتری دادم؛ در جای دیگری از قرآن می‌فرماید: « مشرق‌ها و مغرب‌های جهان را در اختیار شما قرار دادم، فرمانروای کشوری بزرگ شدید. »

آیه ۴۸ : « وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ »

« وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا » حواستان جمع باشد، مراقب روزی باشید که کسی را به جای کس دیگر مجازات نمی‌کنند؛ « وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ » وساطت و شفاعت را قبول نمی‌کنند؛ « وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ » بازخرید یا پرداخت غرامت و خسارت را قبول نمی‌کنند؛ « وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ » کمکی در کار نیست.

پایان بخش برنامه این باشد که در این آیه خواندیم شفاعت وجود ندارد! نکند وهابی‌ها راست می‌گویند؟! در این موارد باید سراغ همه آیات قرآن برویم: موضوع شفاعت در بعضی از آیات اثبات شده است و در بعضی از آیات شرط و شروط دارد اما در این آیه نفی شده است. مجموعه آیات شفاعت را باید کنار هم بگذاریم و نتیجه‌گیری کنیم تا روشن شود که شفاعت برای چه کسانی و در چه شرایطی مورد قبول خدا است؟ و برای چه کسانی و در چه شرایطی غیرمقبول است؟

خدانگهدار شما ...